یادداشت

حسین فصیحی

از حال بد به حال خوب

این روزها با بالا گرفتن نگرانی‌های عمومی درباره گسترش ویروس کرونا، کسب و کار محتکران سلامت مردم گرم گرم است. آنها تا جایی که امکان داشته باشد نان‌شان را در خون ملت می‌زنند و به خانه می‌برند. این موضوع را با دریافت خبرهایی که درباره گران‌فروشی لوازم پیشگیری به گوش می‌رسد، می‌شود به صرافت دریافت. قیمت‌هایی که اعلام آن هوش از سر هر جنبنده‌ای می‌پراند. اگر وضعیت در پایتخت به این شکل باشد حالا ببینید در شهرهای دوردست چگونه است. وقتی اتفاق‌هایی از این دست می‌افتد و بازار محتکران بیش از پیش گرم می‌شود، ناکارآمدی ساختارهای نظارتی بیشتر خودش را نشان می‌دهد. ساختارهایی که سال‌هاست در باور عمومی فقط به شکل نمادین وجود داشته‌اند و عملاً کارکردی در ساختار مدنی جامعه ندارند؛ چراکه اگر غیر از این بود چنین بازار مکاره‌ای اصلاً شکل نمی‌گرفت. در حالت استحاله بودن ساختارهای نظارتی یکی از نگرانی‌های عمومی است و پخش برنامه‌های فرمایشی در برخورد با عوامل این رفتارهای نادرست تأثیری در اصل ماجرا نداشته است. باور عمومی این است که ساختارهای نظارتی به این دلیل کارکرد خود را از دست داده‌اند که با دریافت رشوه، چشم خود را به تخلف‌های موجود بسته است و با همین شیوه به حیات خود ادامه داده‌است، در حالی که انتظار عمومی همواره برخورد مقتدرانه با متخلفان بوده و هست.

در کنار این بازارهای مکاره شکل گرفته اما خبرهایی منتشر می‌شود که می‌شود در آن رگه‌هایی از امید و انسانیت را دید. آدم‌هایی که فقط در فکر کسب روزی حلال هستند. مثل آن کاسبی که به جای نوشتن ماسک تمام شد، روی شیشه مغازه‌اش نوشته بود که ماسک رایگان را در اختیار شهروندان قرار می‌دهد یا یکی از کارکنان داروخانه‌ای در غرب تهران که با هزینه خودش داروهای ضدعفونی و ماسک‌های زیادی را خریداری کرد و به یکی از کمپ‌های ترک اعتیاد فرستاد تا معتادان برای یک روز هم که شده فکر کنند خارج از دیوارهای بلند کمپ یک نفر به فکر آنان است. جامعه ما در سایه بی‌تدبیری‌های متولیانش با بحران‌های بسیاری مواجه است و مدام از بحرانی به بحران دیگر پهلو می‌زند. مثل بحران مرغ، تخم‌مرغ، ریزگرد، برف وحالا بحران کرونا که اگر از آن جان سالم به در ببریم براساس تجربه‌های گذشته بایدمنتظر بحرانی تازه باشیم با این حال انتشار خبرهایی که حکایت از توجه به ابعادی انسانی است و در آموزه‌های دینی‌مان هم به آن توصیه شده حالمان را بیش از پیش خوش می‌کند.

کشف انبار ماسک‌های احتکار شده

رئیس پلیس پیشگیری تهران بزرگ از کشف ۵۰۰ هزار ماسک احتکار شده در منطقه گلبرگ خبر داد.

سردار کیوان ظهیری گفت: شامگاه یک‌شنبه چهارم اسفندماه اهالی منطقه گلبرگ در تماس با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ اعلام کردند که مرد جوانی مقابل پارکینگ خانه‌اش در حال خالی کردن بسته‌های ماسک پزشکی است که با توجه به حساسیت موضوع تیمی از مأموران کلانتری ۱۴۷ گلبرگ همراه با رئیس کلانتری سرهنگ شریفی مقدم در محل حاضر شدند.

وی افزود: مأموران با حضور در محل و بررسی‌های ابتدایی اطمینان پیدا کردند که مرد جوان تعداد ۲۵۰ کارتن را که روی آن‌ها عبارت «نفس» نوشته شده به داخل پارکینگ خانه‌اش منتقل کرده که مأموران وارد عمل شده و تحقیقات خود را آغاز کردند.

سردار ظهیری ادامه داد: پس از هماهنگی با مقام قضایی و حضور یک کلید ساز در ورودی ساختمان باز شده و مأموران با تعداد ۵۰۰ هزار ماسک پزشکی احتکار شده در انباری این ساختمان روبه‌رو شدند.

رئیس پلیس پیشگیری تهران بزرگ گفت: متهم که یک همسر تبعه چین دارد در محل دستگیر و در تحقیقات مشخص شد وی این تعداد ماسک را از یک کارخانه تولیدی در منطقه بومهن خریداری کرده و قصد داشته با احتکار آن و در زمان مناسب با قیمت بالایی اقدام به فروش کند.

سردار ظهیری ادامه داد: با اعلام این خبر دادستان منطقه و بازپرس تعزیرات در محل حضور پیدا کردند و پس از اقدامات ابتدایی ماسک‌ها توسط تیمی از دانشگاه علوم پزشکی به داروخانه‌های همان منطقه منتقل شد.

مرگ خاموش مادر و پسر

استنشاق گاز مونواکسیدکربن در گلهشر کرج مرگ زن سالخورده و پسرش را رقم زد.

به گزارش جوان، روز گذشته مأموران پلیس گلشهر کرج از مرگ مشکوک یک زن سالخورده و پسر جوانش در خانه‌شان باخبر و راهی محل شدند. با حضور مأموران در محل، اولین بررسی‌ها نشان داد مادر و پسر بر اثر استنشاق گاز مونواکسید کربن فوت کرده‌اند. سرهنگ سیدمجید فیض جعفری معاون هماهنگ کننده فرماندهی انتظامی استان البرز گفت: «با انتقال اجساد به پزشکی قانونی تحقیقات بیشتر در جریان است.»

بازداشت دزد موتورسوار با شلیک گلوله

سارق موتورسوار در جریان تعقیب و گریز با مأموران گشت کلانتری ۱۳۷ نصر با شلیک گلوله بازداشت شد.

به گزارش جوان سرهنگ ابراهیم قاضی‌پور، رئیس کلانتری ۱۳۷ نصر توضیح داد: در پی دریافت تعدادی شکایت مبنی بر زورگیری و سرقت موبایل توسط دو جوان موتورسوار در نزدیکی پارک ستارخان تحقیقات در دستور کار مأموران کلانتری ۱۳۷ نصر قرار گرفت. کلانتر محله نصر ادامه داد: در تحقیقات بعدی مشخص شد متهمان سوار بر یک دستگاه موتور سیکلت قرمز رنگ و پرسه‌زنی در خیابان‌های خلوت با تهدید سلاح سرد، تلفن همراه مال باختگان را زورگیری و به سرعت از محل متواری می‌شوند.

وی با بیان اینکه تعدادی از مال باختگان موفق شده بودند چهره سارقان را به خاطر بسپارند، افزود: مشخصات سارقان در اختیار تیم‌های گشت کلانتری برای شناسایی و دستگیری متهمان قرار گرفت.

رئیس کلانتری ۱۳۷ نصر ادامه داد: روز گذشته مأمور گشت موتور سوار کلانتری در محدوده خیابان نصر هر دو سارق را سوار بر موتورسیکلت قرمز رنگ مشاهده کرد و عملیات مهار و دستگیری سارقان آغاز شد.

قاضی‌پور ادامه داد: تعقیب و گریز متهمان تا عوارضی قدیم تهران –کرج ادامه داشت تا اینکه مأمور پلیس برای جلوگیری از متواری شدن متهمان چند تیرهوایی شلیک و مأموران موفق شدند ترک‌نشین موتورسیکلت را دستگیر کنند، ولی راکب موتورسیکلت از محل متواری شد. این مقام پلیسی با اشاره به اینکه تاکنون تعداد چهارتن از مال‌باختگان، سارق را شناسایی کرده‌اند، اضافه کرد: تحقیقات پلیسی برای دستگیری موتورسوار و کشف جزئیات پرونده ادامه دارد.

قاتل: قتل بر سر یک نگاه اتفاق افتاد

مرد جوانی که به خاطر چشم در چشم شدن، یکی از دوستانش را مقابل چشمان خواهرش به قتل رسانده بود، روز گذشته در جلسه دادگاه ماجرا را شرح داد.

به گزارش جوان، جلسه رسیدگی به پرونده صبح دیروز در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی زالی برگزار شد. بعد از اعلام رسمیت جلسه نماینده دادستان در قرائت کیفرخواست گفت: «سال ۹۴ مهدی ۲۴ ساله به اتهام قتل یکی از دوستانش به نام عارف در یک نزاع دسته‌جمعی بازداشت شد. متهم در بازجویی‌ها قتل را انکار کرد اما بنا به گواهی شاهدان حادثه از جمله خواهر مقتول وی به اتهام قتل عمد روانه زندان شد. از دادگاه محترم درخواست رسیدگی به پرونده را دارم.»

در ادامه اولیای‌دم درخواست قصاص کردند. سپس متهم به دستور ریاست دادگاه در جایگاه قرار گرفت و با انکار جرمش گفت: «صبح روز حادثه از خانه بیرون آمدم تا اینکه عارف را سرکوچه دیدم. او به دیوار تکیه زده‌بود و وقتی مرا دید چهره‌اش عوض شد و با نگاه بد به من خیره شد. به او اعتراض کردم ولی جواب سربالا داد. این رفتار در دلم کینه شد تا عصر همان روز نزدیک غروب بود که همراه دوستانم سوار خودروی پرشیا شدیم و تصمیم گرفتیم برای تفریح در خیابان چرخی بزنیم. داخل خودرو از رفتار عارف گفتم و در این مورد با دوستانم صحبت کردم. همانجا قرار شد به محله آنها برویم.» متهم در خصوص درگیری گفت: «وقتی وارد کوچه آنها شدیم از ماشین پیاده شدیم و مقابل خانه پدر مقتول رفتیم. عارف با دیدن ما مقابل در آمد و شروع به فحاشی کرد. همین باعث درگیری شد و در آن درگیری تعدادی از اقوام عارف به ما حمله کردند. دوستان من نیز عارف را دوره کردند و به این ترتیب درگیری بالا گرفت. در آن شرایط از عصبانیت در حال خودم نبودم به همین دلیل ندیدم عارف با ضربه چاقوی چه کسی روی زمین افتاد.»

متهم در آخرین دفاعش گفت: «قبول دارم در آن درگیری حاضر بودم و دعوا هم به خاطر یک نگاه اتفاق افتاد اما افراد دیگری هم حاضر بودند به همین دلیل نمی‌دانم چه کسی به گردن مقتول ضربه زد و باعث مرگ او شد.»

بعد از دفاعیات متهم، خواهر مقتول به عنوان شاهد ماجرا در جایگاه ایستاد و در حالیکه به شدت اشک می‌ریخت، گفت: «آن روز در خانه بودم که متوجه سر و صدای برادرم و دوستانش شدم. هراسان پشت پنجره رفتم که دیدم تعداد زیادی دور برادرم را گرفته‌اند. خودم را مقابل در رساندم و چشمم به متهم افتاد. از او و دوستانش خواهش کردم از محل بروند اما متهم با عصبانیت مرا پرت کرد و قسم خورد با برادرم کاری ندارد. دقیقه‌ای نگذشت که دیدم او در حالیکه دوستانش، برادرم را دوره کرده بودند با چاقو یک ضربه به گردن عارف زد و فرار کرد. با اینکه به او التماس کردم برادرم را رها کند اما او قبول نکرد و مقابل چشمانم برادرم را کشت.»

در پایان هیئت قضایی جهت صدور رأی وارد شور شد.

دعوای خونین ۲ برادر به خاطر فحاشی

پسر جوانی به خاطر اینکه برادر بزرگش به همسرش فحاشی کرده بود با قمه او را به قتل رساند.

به گزارش جوان، ساعت ۱۴:۵۲ بعد از ظهر روز شنبه سوم اسفندماه بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۳۸ جنت آباد از قتل پسر جوانی در خانه‌شان با خبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد.

تیم جنایی در محل حادثه با جسد پسر ۳۶ساله‌ای به نام کامران روبه‌رو شدند که با اصابت چاقو به قتل رسیده بود.

تحقیقات مأموران نشان داد مقتول در درگیری با برادر ۳۱ساله‌اش به نام حمید به قتل رسیده است.

همچنین مشخص شد مأموران کلانتری در همان لحظات اولیه درگیری در محل حاضر شدند و قاتل را دستگیر کرده‌اند.

پدر مقتول که شاهد عینی حادثه بود به مأموران گفت: داخل کوچه بودم که پسر بزرگم پنجره را باز کرد و به حمید که با من داخل کوچه بود فحاشی کرد. پس از این حمید عصبانی شد و به داخل خانه رفت و برادرش را با چاقو به قتل رساند.

قاتل هم در بازجویی‌ها گفت: دقایقی قبل از درگیری به داخل کوچه رفتم که ناگهان برادرم پنجره‌خانه را باز و به من فحاشی کرد. او فحش‌های رکیکی به همسرم داد که به غیرتم بر خورد و عصبانی شدم و تصمیم گرفتم او را تنبیه کنم. به همین دلیل به خانه آمدم که دیدم کامران قمه بزرگی در دست دارد و می‌خواهد با آن به من حمله کند که قمه را از دستش گرفتم و با آن ضربه‌ای به گردنش وارد کردم.

متهم پس از دستگیری صبح دیروز برای تحقیق به دادسرای امور جنایی تهران منتقل شد. وی در بازجویی‌ها با اظهار پشیمانی به قتل برادر بزرگش اعتراف کرد و مدعی شد که قصد قتل نداشته است. وی گفت: وقتی به همسرم فحاشی کرد عصبانی شدم و به داخل خانه آمدم. اصلاً قصد قتل نداشتم که دیدم او قمه بزرگی در دست دارد و وقتی قمه را از او گرفتم، می‌خواستم بترسانمش که قمه به او اصابت کرد.

سرهنگ علیرضا یوسفوند رئیس کلانتری ۱۳۸ جنت آباد با اعلام این خبر گفت: زمان حادثه مأمور کلانتری همراه قاتل و پدر مقتول داخل کوچه بودند که مقتول پنجره را باز می کند و به قاتل فحاشی می کند. پس از این قاتل ناگهان عصبانی می شود و در را به روی پدرش و مأمور پلیس می بندد و به داخل خانه می رود که در ادامه پدر مقتول و مأمور پلیس پس از شکستن در وارد خانه می شوند و با جسد غرق به خون مقتول که با اصابت ضربه قمه به گردنش به قتل رسیده است روبه‌رو می شوند.

متهم برای ادامه تحقیقات به دستور قاضی پرونده در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

ادامه تحقیقات برای کشف جسد غزاله

آرمان، پسری جوان که به اتهام قتل غزاله طناب دار از گردنش برداشته‌شده بار دیگر برای تعیین سرنوشت جسد مقتول مورد تحقیق قرار گرفت.

به گزارش جوان، این حادثه ۱۲ بهمن سال ۹۲ اتفاق افتاد که در جریان آن دختری ۱۸ ساله به نام غزاله ناپدید شد. تحقیقات پلیسی نشان داد غزاله روز حادثه هم با آرمان قرار ملاقات داشته‌است که پسر جوان را بازداشت کردند. آرمان در بازجویی‌ها به قتل دختر مورد علاقه‌اش اعتراف کرد و گفت: روز حادثه پدر و مادرم که هر دو پزشک هستند به محل کارشان رفتند و من از فرصت استفاده و غزاله را به خانه‌مان دعوت کردم تا درباره ادامه رابطه‌مان با هم حرف بزنیم. وقتی به خانه آمد گفت باید او را فراموش کنم که عصبانی شدم و او را هل دادم که روی زمین افتاد. بعد هم او را با پنج ضربه میله بارفیکس به قتل رساندم و جسدش را با چمدان به سطل زباله منتقل کردم. با اعتراف آرمان تحقیقات برای کشف جسد به جریان افتاد که ثمری نداشت. متهم پس از تحقیقات تکمیلی در شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شد اما در جلسه دادگاه حرف‌هایش را تغییر داد و گفت: غزاله هنگام خارج شدن از خانه‌شان از پله سقوط کرده و جانش را از دست داده است. او هم جسد را با چمدان از خانه به بیرون منتقل کرده است.

هیئت قضایی هم بعد از ختم جلسه آرمان را به قصاص محکوم کردند. رأی دادگاه پس از تأیید برای اجرا به شعبه اجرای احکام دادسرای امور جنایی تهران فرستاده‌شد و سرانجام آرمان دی‌ماه امسال برای اجرای حکم در زندان رجایی‌شهر پای چوبه‌دار رفت اما در آخرین لحظه‌ها با میانجیگری هیئت صلح و سازش دادسرای امور جنایی موفق شد از اولیای‌دم یک‌ماه مهلت بگیرد و بدین ترتیب از پای چوبه دار به سلولش بازگشت.

احتمال می‌دهم غزاله زنده باشد

در حالی که آرمان از چوبه دار فاصله گرفته بود وکیل متهم مدعی شد که طبق گفته‌های آرمان احتمال می‌دهد که غزاله زنده‌باشد و به قتل نرسیده باشد چون دفترچه وی پس از قتل تمدید شده و از دانشگاهی هم که قبول شده یک ترم مرخصی گرفته است. با طرح این اظهارات قاضی کیخا و قاضی متین راسخ، دو قاضی که وی به قصاص محکوم کرده‌بودند، نامه‌ای به رئیس دادگستری نوشتند و اعلام کردند در رأی خود تردید دارند و درخواست کردند این پرونده رسیدگی مجدد شود. از سوی دیگر آرمان هم در تازه‌ترین حرف‌های خود در ادعایی گفت: روز حادثه غزاله بیهوش شد و من تردید داشتم که او فوت کرده است اما از ترس پیکر بیهوش او را داخل چمدان گذاشتم و به طرف سطل زباله در نزدیکی خانه‌مان رفتم. پس از این در چمدان را باز کردم و پیکر غزاله را به داخل سطل زباله انداختم و الان احتمال می‌دهم او پس از این به هوش آمده باشد و از محل به مکان نامعلومی گریخته‌باشد.

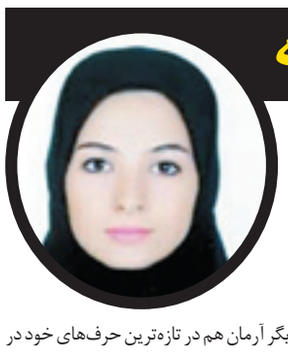

بازجویی دوباره از متهم در دادسرا برای کشف جسد

پس از طرح این ایراد پرونده متهم برای رسیدگی و رفع ابهام به دادسرای امور جنایی تهران فرستاده شد و به همین خاطر چند روز قبل آرمان در دو روز متفاوت از زندان برای بازجویی به دادسرای جنایی منتقل شد و برای کشف جسد مورد تحقیق قرار گرفت. متهم در بازجویی‌ها دوباره حرف‌های خود را تکرار کرد و مدعی شد که جسد را در سطل زباله انداخته است. وی همچنین درباره اینکه در قتل غزاله همدست داشته یا نه دوباره مدعی شد که در این حادثه همدستی نداشته و تنها بوده است.

پرنده شکاری شکار شد

ورود پرنده شکاری به ساختمان پنج‌طبقه مسکونی، آتش‌نشانان را به محل حادثه کشاند.

به گزارش جوان، عصر روز گذشته آتش‌نشانان ایستگاه ۶۱ با تماس ساکنان یک ساختمان مسکونی در محله اقدسیه در محل حاضر شدند. به گفته مهدی نیازی فرمانده آتش‌نشانان اعزامی، یک بهله پرنده شکاری (عقاب) به طور ناگهانی به داخل راه پله‌های یک ساختمان مسکونی پنج‌طبقه وارد شد و موجب ترس و نگرانی اهالی این ساختمان شد. وی در ادامه اظهار داشت: آتش‌نشانان بلافاصله با به کارگیری تجهیزات مخصوص نجات، این پرنده را به دام انداختند و به نگرانی ساکنان این ساختمان مسکونی پایان دادند.

برق جان راننده جرثقیل را گرفت

راننده یک دستگاه جرثقیل در شهرستان تاکستان استان قزوین به دلیل برخورد با تیر برق فشار قوی دچار برق گرفتگی شد و جانش را از دست داد.

به گزارش جوان، این حادثه روز گذشته در شهر تاکستان استان قزوین اتفاق افتاد. با اعلام این خبر مأموران پلیس بلافاصله در محل حاضر شدند. اولین تحقیقات نشان داد راننده یک دستگاه جرثقیل در حال تخلیه بار بلوک، بر اثر برخورد دکل جرثقیل با تیر برق فشار قوی دچار برق گرفتگی شده و در دم فوت کرده است.

تخریب ۴۳ روستا در زمین‌لرزه آذربایجان غربی

۴۳ روستا در جریان زمین‌لرزه ۵/۷ ریشتری آذربایجان غربی از ۱۰ تا ۱۰۰ درصد تخریب شد. براساس آخرین گزارش‌ها ۶۵ نفر از اهالی این روستا مصدوم و راهی مراکز درمانی شدند.

مجتبی خالدی، سخنگوی سازمان اورژانس کشور گفت: ساعت ۹:۲۲ روز گذشته، زمین لرزه‌ای با قدرت ۵/۷ ریشتر در عمق ۶ کیلومتری زمین بخش قطور شهرستان خوی را به لرزه درآورد. وی ادامه داد: بعد از وقوع حادثه تیم‌های امداد در محل حاضر شدند که براساس آخرین آمار ۶۵ نفر مصدوم شدند.

امیرعباس جعفری مدیر کل مدیریت بحران استانداری آذربایجان غربی گفت: ۶۵ نفر از اهالی روستاهای منطقه مصدوم شدند که ۱۰ نفر آنها بستری و ۵۵ نفر به صورت سرپایی مداوا شدند. وی ادامه داد: در اثر وقوع این زمین لرزه به ۴۳ روستای منطقه بین ۱۰ تا ۱۰۰ درصد خسارت وارد شده است. وی با بیان اینکه مقرر شد تا چادر برای اسکان سکنه خانه‌هایی که بیش از ۵۰ درصد خسارت دیدند، برپا شود، گفت: سه کمپ نیز در منطقه برای اسکان افرادی که تا اتمام پس لرزه‌ها نمی‌خواهند در خانه‌های خود بمانند، راه‌اندازی می‌شود.

با توجه به مرزی بودن برخی از روستاها و دسترسی سخت‌زمینی ارزیابی درباره خسارات احتمالی همچنان ادامه دارد.

خانم سرهنگ قلابی در کار شورای حل اختلاف دخالت می‌کرد!

زنی که با درجه سرهنگی در کارهای شوراهای حل اختلاف مداخله می‌کرد با هوشیاری یکی از کارکنان شناسایی و بازداشت شد.

به گزارش جوان سرهنگ علی قاسمی، رئیس کلانتری ۱۲۲ دربند توضیح داد: ساعت ۱۶:۵۰ روز شنبه سوم اسفندماه یکی از کارکنان شورای حل اختلاف دربند با مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و گفت که به رفتار زنی که با درجه سرهنگی در کارهای شورای حل اختلاف دخالت می‌کند مشکوک است. لحظاتی بعد تیمی از مأموران کلانتری ۱۲۲ دربند در محل حاضر شدند. شاکی در توضیح بیشتر ماجرا به مأموران پلیس گفت: این زن که لباس و درجه سرهنگی دارد خودش را ضابط قضایی و از مأموران کلانتری ۱۲۷ نارمک معرفی می‌کند و در امور قضایی ما هم دخالت دارد که درخواست رسیدگی دارم. بعد از مطرح شدن شکایت مأموران پلیس در استعلام از کلانتری ۱۲۷ نارمک متوجه شدند که ادعای این زن دروغ است که متهم را بازداشت کردند. سرهنگ قاسمی گفت: تحقیقات از متهم بازداشت شده در کلانتری در جریان است.

پلیس‌های قلابی در دام گشت پلیس

دو پلیس قلابی که سوار بر موتور در حال گشت‌زنی بودند در دام مأموران گشت پلیس تهران گرفتار شدند.

به گزارش جوان سرهنگ ابراهیم شریفی‌مقدم، رئیس کلانتری ۱۴۷ گلبرگ توضیح داد: ساعت ۱۸ روز گذشته مأموران کلانتری هنگام گشت‌زنی در محدوده بزرگراه باقری به راکبان دو دستگاه موتور سیکلت فاقد پلاک که شلوار نظامی به پا داشتند مظنون شدند و هر دو موتورسیکلت را متوقف کردند. راکبان موتورسیکلت با نشان داد یک حکم قضایی به مأموران پلیس گفتند که از کارکنان نظامی هستند که بررسی حکم نشان داد که جعلی است بنابراین دو متهم را بازداشت و به کلانتری منتقل کردند. سرهنگ شریفی مقدم گفت: تحقیقات برای کشف جرائم متهمان در کلانتری در جریان است.

مرگ موتورسوار در خط ویژه

ورود غیرمجاز موتورسوار به خط ویژه منجر به تصادف وسیله نقلیه با اتوبوس تندرو و مرگ راکب آن شد.

به گزارش جوان سرهنگ احسان مؤمنی، رئیس اداره تصادفات پلیس راهور پایتخت گفت: این حادثه روز گذشته خط ویژه شرق به غرب خیابان خاوران بعد از خیابان نبرد اتفاق افتاد. بررسی‌های پلیس بعد از حضور در محل نشان داد که موتورسوار در خط ویژه اتوبوسرانی در حال حرکت بوده که ناگهان به سمت چپ منحرف می‌شود و با یک دستگاه اتوبوس تندرو برخورد می‌کند و در دم جانش را از دست می‌دهد. سرهنگ مؤمنی گفت: جسد به پزشکی قانونی منتقل شد.

۵ پرونده جنایی روی میز بازپرس

کشف جسد سه مرد معتاد در جنوب تهران، مرگ نوزاد دو ماه پس از تزریق واکسن و مرگ آتشین مرد میانسال، پنج پرونده تازه‌ای است که مأموران پلیس پایتخت تحقیقات خود را درباره آنها آغاز کرده‌اند.

به گزارش جوان، ساعت ۱۱:۵۲ روز شنبه سوم اسفندماه بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۱۵ رازی از کشف جسد سه مرد معتاد در سه محل متفاوت با خبر شد. مأموران پلیس اعلام کردند: هنگام گشتن زنی در محدوده استحفاظی با جسد سه مرد حدوداً ۴۰، ۴۵ و ۵۰ ساله ناشناس در سه محله متفاوت روبه‌رو شدیم که بررسی‌ها حکایت از این دارد این سه مرد معتاد به مواد مخدر بوده‌اند و به کام مرگ رفته‌اند. با اعلام این خبر بازپرس جنایی دستور داد جسد سه مرد برای شناسایی هویت و مشخص شدن علت اصلی مرگ به پزشکی قانونی فرستاده شود. تحقیقات درباره این حادثه ادامه دارد.

در حادثه دیگری مأموران کلانتری غیاثی خبر مرگ مشکوک نوزاد پسر دوماهه‌ای را به بازپرس جنایی اطلاع دادند. بررسی‌ها نشان داد نوزاد دوماه پس از تزریق واکسن دو ماهگی حالش بد می‌شود و فوت می‌کند. همچنین مشخص شد خانواده این نوزاد از کادر درمانی به خاطر تزریق واکسن دوماهگی که باعث مرگ فرزندشان شده است شکایت دارند. همزمان با انتقال جسد نوزاد دو ماه به پزشکی قانونی برای مشخص شدن علت اصلی مرگ، پرونده وی برای بررسی به دادسرای ویژه جرائم پزشکی فرستاده شد.

پنجمین حادثه را مأموران کلانتری ۱۴۵ ونک به بازپرس جنایی خبر دادند. مأموران اعلام کردند مردی هنگام پخت غذا به خاطر ترکیدن پیک نیک دچار سوختگی شدید شده که پس از انتقال به بیمارستان فوت کرده است.

بازداشت عاملان تیراندازی به مأمور راهور بندرعباس

عاملان تیراندازی به مأمور پلیس راهور شهرستان بندرعباس بازداشت شدند.

سردار غلامرضا جعفری، فرمانده انتظامی هرمزگان گفت: در پی وقوع یک فقره تیراندازی با اسلحه بادی و ساچمه‌ای به مأمور پلیس راهور بندرعباس در هنگام انجام وظیفه که منجر به جراحت سطحی وی شده بود، مأموران پلیس آگاهی در این باره تحقیق کرده و یکی از عاملان تیراندازی را بازداشت کردند. متهم در بازجویی‌ها گفت که همدستش به سمت پلیس تیراندازی کرده است که همدست وی هم بازداشت شد و به جرمش اعتراف کرد. فرمانده انتظامی هرمزگان گفت: متهمان با تشکیل پرونده راهی دادسرا شدند.